

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کانال تخصصی شیعه پاسخ می دهد

با مدیریت:

زین العابدین گلایری بابلکناری

@maktabepasokhgoo

## سوال شصت و یکم

لطفا در خصوص استدلالی که مدعی یمانی به حدیث وصیت میکند و پاسخ و اشکالات بر حدیث وصیت رایان کنید.

## پاسخ سوال شصت و یکم

حدیث وصیت که مدعی یمانی و امامت و مهدویت بردان استناد میکند از لحاظ سندی و دلالتی مشکل دارد.

در اسناد ان راویان مجهول و سنی مذهب وجود دارند و حتی افرادی که مشهور به جعل و دروغگویی هستند به چشم میخورند.

اما از نگاه دلالت این روایت را اگر بپذیریم العیاذ بالله باید قائل به جهل و هذیان گویی نبی مکرم شویم همانگونه که اصحاب سقیفه در روز مصیبت بار پنجشنبه گفتند.

## بعنوان نمونه

در وصیت مزعومه آمده است که پیامبر میفرماید یا علی خداوند تورا در آسمان ها ... مهدی و مامون و ... نامید و هیچ کسی حق ندارد خودش را به این اسامی نام نهد. اما در ادامه روایت میفرماید دوازده مهدی خواهد آمد و حتی امام زمان را هم مهدی نامیده اند.

احمد بصری مدعی است که من با وصیت آمده ام در حالیکه نفس همان روایت میگوید وصیت زمانی بدست وصی امام زمان میرسد که امام زمان وفات کنند.

برای مطالعه بیشتر به لینک زیر مراجعه نمایید.

<http://www.mahdyoon.net/?p=416>

## سوال شصت و دوم

منظور از مهدویت نوعی چیست؟ آیا شیعه به مهدویت نوعیه قائل است؟

## پاسخ سوال شصت و دوم

"مهدویت نوعیه" اعتقاد افرادی است که قائل به فقدان شخص خاصی به نام "امام مهدی" بوده و مسئله مهدویت را مقامی می دانند که در هر عصری در یک انسان کامل قرار داشته که این شخص می تواند هر یک از آحاد بشری باشد. در مقابل، اصطلاح "مهدویت شخصیه" به این معنی است که مهدی موعود منحصرأ فردی معین (امام دوازدهم) بوده و غیر از او هیچ شخص دیگری از انسان ها دارای چنین مقامی نیست.

نکته قابل تأمل در این رابطه آن است که بسیاری از عرفا که به سخنان آنها به عنوان قائلین به "مهدویت نوعیه" استناد شده در عین حال به مهدویت امام دوازدهم نیز اعتقاد داشته اند.

برای توضیح و تحلیل این مسئله به پاسخ تفصیلی مراجعه کنید.

<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa14927>

## سوال شصت و سوم

چه اشکالی دارد که ما توفی که در حدیث وصیت آمده را به توفی عیسی تشبیه کنیم؟

## پاسخ سوال شصت و سوم

در متن روایت تمام توفی ها (که به معنای وفات کرد) برای یازده امام به معنای وفات به معنای مردن و مرگ است و سیاق روایت همین را میسرساند.

اگر جایی برخلاف سیاق بخواهیم برداشتی کنیم باید قرینه باشد که در این حدیث مزعومه چنین قرینه ای وجود ندارد.

در ضمن اصل این روایت از ریشه باطل است چون مخالف قطعی روایات متواتره که ائمه و اوصیاء را دوازده نفر معرفی شده از سوی خداوند معرفی کرده است میباشد.

#### سوال شصت و چهارم

چه ملاکهایی برای شناخت امام زمان واقعی از مدعیان دروغین وجود دارد؟

#### پاسخ سوال شصت و چهارم

برای شناخت امام زمان واقعی از مدعیان دروغین چند معیار و ملاک معرفی شده است.

برخی ملاک ها برای قبل از ظهور و جلو گیری از سوء استفاده است که در توقیعات شریفه امام زمان آمده است.

1) مثل هر کسی که مدعی ارتباط تا قبل از صیحه اسمانی بشود دروغگو است

2) هر کسی که ادعای نیابت خاصه کند دروغگو است

3) در عصر غیبت وظیفه ما رجوع به علما و مراجع است

اما ملاک هایی هم برای شناخت شخص امام زمان مطرح شده است که در هنگام ظهور اتفاق خواهد افتاد و قبل از وقوع این علایم هر کسی که ادعای مهدویت و قیام مهدوی کند کذاب است.

پنج علامت قطعی

1؟ خروج سفیانی از شام

2؟ خروج یمانی از یمن

3؟ صیحه اسمانی

4؟ خسف پیدا(فرورفتن زمین در بیابان بیداء)

5؟ قتل نفس زکیه

در روایات داریم که قبل از صیحه اسمانی هرکسی ادعای ارتباط با امام زمان کند دروغگو است.

سوال شصت و پنجم

بستر رشد بهائیت چیست؟

پاسخ سوال شصت و پنجم

بستر رشد بهائیت عدم آگاهی مردم از مسائل دینی و عدم شناخت معیارها و علایم ظهور در زمان

اولیه ظهور این فرقه انحرافی است و در زمان حاضر علامه بر عدم اطلاع کافی عقده های سیاسی و

تبلیغات گسترده بر علیه اسلام را میتوان بستر و دامی برای گرفتاری جوانان شیعه نامید.

البته فریب های ظاهری مثل اباحی گری و ازادی جنسی و ... برای برخی جذاب و دلفریب است.

## سوال شصت و ششم

این روزا یه سری پیام میاد که به جای رفتن به حج و دادن پول به وهابی و سعودی به نیازمندی ایرانی کمک کنید یا برا ساخت مدارس و بیمارستان و... استفاده بشه. اینا مشکل نداره؟؟؟

## پاسخ سوال شصت و ششم

حج واجب بعد از استطاعت که شامل اقتصادی و جانی میشه واجب و چیزی مانعش نیست مگر اونکه

ولی حاکم حکم به تحریمش بدن

کمک به نیازمندان سر جاش خوبه اما هرگز عمل مستحبی نمیتونه جای عمل واجب رو بگیره.

## سوال شصت و هفت

سلام لطفا لیست فرقه های سنی و میزان انشعاب از اصل مذهب شیعه را بفرمایید تشکر

## جواب:

اهل سنتیا «اهل تسنن» از لحاظ فقهی به چهار گرایش و مذهب تقسیم می شوند:

1- حنفیه، که پیرو ابوحنیفه بوده و فتوهای او را ملاک فتوادر احکام شرعی می دانند.

2- شافعیه، که پیرو محمد بن ادریس شافعی بوده و از لحاظ فراوانی جمعیت بیشترین تعداد و

گرایشها را در میان اهل سنتبه خود اختصاص داده اند.

3- حنبلیه، که پیرو احمد بن حنبل می باشند؛ و اصطلاحاً اهل ظاهر و اهل حدیثخوانده شده و به

ادعای خودشان اهل سنت فقط حنابله می باشند.

4- مالکیه، که از فتوهای مالک بن انس تقلیدمی کنند.

گرچه برخی از علمای بزرگ اهل سنت مثلاً ابوبکر احمد بیهقی از لحاظ فقهی و حدیثی دارای جایگاه برتری بوده<sup>12</sup> و در اصول فقه نیز مباحث گسترده اجتماعی را به بحث و بررسی گذاشته اند، اما همه دانشمندان و عوام اهل سنت خود را موظف به پیروی و تقلید از یکی از فرقه های مزبور و ایمه چهارگانه می دانند.

اهل سنت از لحاظ عقیدتی دارای فرقه های فراوانی هستند که می توان مهم ترین آنها را در موارد زیر مورد توجه و بررسی قرار داد:

12 معتزله: سر منشا عقاید معتزلی شخصی به نام واصل به عطا بود که از استادش حسن بصری کناره گرفت و از این جهت او و پیروانش، معتزلی و معتزله (بمعنای کناره گیری کنندگان) نام گرفته اند. معتزله دارای سه دسته عمده می باشد و در مجموع به بیش از بیست گرایش می رسد. اما می توان همه آنها را در سه دسته مهم طبقه بندی کرد:

الف - معتزله متقدم که واصل بن عطا، شاگردان او، و شاگردان شاگردانش را شامل می شود<sup>13</sup>.

ب - معتزله متوسط، که ابوهاشم، ابوعلی جبایی، شاگردان و شاگردان شاگردانشان را در بر می گیرد.

ج - معتزله متاخر، که ابوالحسین بصری، قاضی القضاة همدانی، رشیدالدین نیشابوری، شاگردان و شاگردان شاگردانشان را شامل می شود.

نکته حایز اهمیت درباره معتزله این که این فرقه عقیدتی، به ویژه متاخران آنها گرایشهایی به عقاید شیعه داشتند و حتی به دلیل تبخّر در زمینه اصول فقه، از طریق انتشار کتاب های خود در اصول فقه تأثیرات فراوانی در اشاعره معاصر خود و متاخر از خود داشتند به گونه ای که ابن تیمیه گفته است: اهل سنت (یعنی سلفیون و اشاعره زمان خودش) در اصول فقه، معتزلی و در اصول عقاید، اشعری هستند.

اما این طایفه بزرگ عقیدتی بنابه دلایل سیاسی و حکومتی و سایر عوامل، در قرن هفتم و هشتم به کلی منقرض شده و موجودیت اجتماعی خود را از دست دادند و امروزه هیچ فعالیتی جز پژوهش های تاریخی در آثار آنان توسط پیروان سایر فرقه ها در فضای عقیدتی آنها صورت نمی گیرد .

2- اشاعره، که پیرو ابوالحسن اشعری بوده و دارای چندین گرایش عمده می باشند. همه فرقه های انشعابی آن را می توان در سه دسته طبقه بندی و بررسی کرد:

الف- اشاعره متقدم، که به «اشعری»، شاگردان و شاگردان شاگردانش اطلاق می شود.

ب- اشاعره متوسط که به «اسفراینی» و برخی از معاصرانش اطلاق می شود.

ج- اشاعره متاخر، که «فخر رازی» گرداننده اصلی این جریان بود و تا اواسط قرن هفتم اوضاع به همین منوال بود تا اینکه فرقه های جدید در اشعری گری پدیدار گشت.

د- اشاعره متاخر از متاخرین که خود سه دسته اند:

الف- دسته ای که پیرو اشاعره متقدم شدند.

ب- دسته ای که پیرو اشاعرهمتاخر شدند.

ج- دسته ای که خودشان اشعری نبوده بلکه پیرو فرقه حشویه بودند اما به دلیل مقبولیت عمومی اشاعره در میان اهل سنت خود را به اشاعره متقدم نسبت دادند و عقاید خود را به نام ابوالحسن اشعری جا زدند، تا از این طریق بتوانند شیعه ستیزی خود را ترویج کنند [۲]. این دسته همان سلفیون، اهل ظاهر، و حنبلیان بودند که از یاوه گویی ها و بدعت های ابن تیمیه تاثیر گرفتند و سپس این مذهب توسط شاگردان و پیروان ابن تیمیه به ویژه محمد بن عبدالوهاب ادامه یافت. امروزه این فرقه به دلیل موافقت عقاید نادرست آنان با اهداف ضد اسلامی استعمارگران غربی و حمایت بی دریغ آنها از این فرقه الحادی، در بیشتر مناطق اسلامی گسترش یافته است. وهابیت امروز همان رسوبات بافته ها و یاوه سرایی های ابن تیمیه و پیروان کوردل او می باشد.



البته خود اشاعره در دروان معاصر به شدت منتقد و مخالف عقاید خرافی و واهی و هابیت و سلفیون

می باشند.

3- مجبره، که در اصل تلفیقی از فرقه های مختلفی است که قایل به جبر موجودات امکانی به ویژه

انسان در اعمال و افعال می باشند. امروزه بیشتر اهل سنت قایل به جبر هستند .

4- خوارج که در مهم ترین مسایل اصول دین با شیعه مخالفت دارند به ویژه اینکه مرتکب گناهان

کبیره را کافر و مستحق مجازات دنیوی و اخروی می دانند و از همین جهت بود که به دلیل مخالفت

علی (علیه السلام) باقر آن سر نیزه های لشکر معاویه، با او به جنگ پرداختند. امروزه گرچه فرقه ای با

این نام و

جود ندارد، اما برخی از گرایش ها و فرقه های اهل سنت به عقاید آنها معتقد هستند.

5- مجسمه: این گروه مجموعه ای از فرقه هایی است که به جسمانی و حتی جسم بودن خدا قایل

هستند و ادعا دارند که خدادر دنیا و آخرت قابل مشاهده حسی می باشد !!!<sup>[2]</sup> بسیاری از اهل سنت غیر از

معتزله و انشعابات آنها به چنین خرافه ای معتقد بوده و کتاب های فراوانی هم برای اثبات آن ساخته و

پرداخته اند. حتی در «صحیح بخاری» که از صحیح ترین کتب روایی اهل سنت است روایاتی در جسمانی

بودن خدای متعال به چشم می خورد

6- حشویه که غالباً حنبلی بوده، و تنها فرقه ای است که پیروانش خود را به طور ویژه اهل سنت

نامیده اند. این فرقه فتنه انگیزترین فرقه تاریخ اسلام بوده و همچنان نیز نقش خود را به همان روال در

قلب و هابیت و سلفیه ایفا می کند. آنان قایل به کفر ابوطالب پدر بزرگوار علی (علیه السلام) بوده □ و او

را لعن می کنند. همچنین در مورد عصمت انبیاء بر خلاف اصول شریعت قایل به جواز ارتکاب گناه

کبیره توسط انبیاء می باشند.

برای تفصیل بیشتر درباره اقسام فرقه های کلامی و عقیدتی اهل سنت، کتابهای فراوانی با عنوان فرق و مذاهب اسلامی، ملل و نحل و تاریخ مذهب تدوین شده است (مانند الملل و النحل شهرستانی) که باید به آنها رجوع شود.

درباره فرق شیعه:

بغدادی در کتاب خود اصول فرق شیعه را سه فرقه دانسته است: زیدیه، کیسانیه، امامیه، وی در آغاز غلات را نیز از انشعابات شیعه دانسته، ولی بعداً یاد آور شده است که چون آنان از اسلام خارج شده اند از فرق های اسلامی به شمار نمی آیند.

شهرستانی اسماعیلیه را نیز در شمار شعبه های اصلی آورده است، و فرقه های اصلی شیعه را پنج فرقه می داند.

خواجه طوسی (ره) در قواعدالعقاید با نظریه بغدادی موافقت نموده و اصول فرق شیعه را "زیدیه، کیسانیه، امامیه" دانسته است. قاضی عضد الدین ایجی نیز اصول فرق شیعه را سه می شمارد: کیسانیه، امامیه، زیدیه.

بعضی نیز اصول فرق شیعی را چهار فرقه، امامیه، کیسانیه، زیدیه و اسماعیلیه می دانند.

آنچه مشهور بین علمای شیعه و تاریخ نگاران ملل و نحل است، این است که اصول فرق تشیع سه فرقه است، اما در مورد شاخه ها و فروع فرق اختلاف نظر وجود دارد.

برای اطلاع بیشتر به کتاب های: الفرق بین الفرق، ملل و نحل، قواعدالعقایدمراجعه فرمایید.

همچنین:

1. انشعابات شیعه □

2. آشنایی با شیعه

الفرق بين الفرق، بغدادی، عبدالقاهر، ص ۲۱-۲۳.

ملل و نحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۴۷.

(۳طوسی، خواجه نصیر، قواعد العقاید، تحقیق، ربانی، علی، ص ۱۱۰.

### سوال شماره شصت و هشتم

چرا عربستان که مهد اسلام است هر میلیمترش ارزش بکنی یه ریشه اسلام در میاد سنی است و

ایران شیعه؟

### پاسخ سوال شصت و هشتم

حکومت طولانی مدت اهل سقیفه و تابعینشان تا به اکنون سبب شد تا در آن مناطق شیعه از

گسترده‌گی کمتری از حیث جمعیت نسبت به اهل سنت داشته باشد ضمن آنکه خفقان شدید و همیشگی

حاکم خصوصا بر علیه تشیع فرصت شکوفایی را از تشیع سلب کرده بود

اگرچه اینگونه نیست که این مناطق تهی از تشیع باشد اما به طور قهری انسان مکانی را برلی حیات

انتخاب میکند که فشار کمتری بر آن باشد و این حقیقت در حجاز نسبت به تشیع وجود نداشت.

## سوال شماره شصت و نهم

چرا یکجا حضرت علی به غدیر احتجاج میکند برای حقانیتش در خلافت و درجایی خلافت آن را از

آب بینی بز بی ارزش تر میدانند؟

## پاسخ سوال شماره شصت و نهم

ولایت منصبیست الهی که همه از جملی شخص ولی نسبت به آن مسؤوول است لذا احتجاج حضرت

به غدیر درحقیقت دفاع از حقانیتش در تصدی این منصب الهی بود و اگر این احتجاج نمیبود و حضرت

هیچ واکنش اعتراضی انجام نمیداد قطعا درمقابل خداوند مسوول بود.

اما اینکه چرا خلافت را بی ارزش تر از آب بینی بز معرفی کرد چون خلافت ابزار است برای تحقق

نفوذ ولایت به عنوان حاکم و به خودی خود هیچ ارزش معنوی ندارد لذا از آب بینی بز هم بی ارزش

تراست

اما چرا اقدام عملی مانند حمله ی نظامی انجام ندادند چون شرایط برای این اقدام مهیا نبود

اگر چه هدف مقدس است اما هدف هرگز توجیه گر وسیله و ابزار نیست که به هر قیمتی ولو خلاف

مصلحت به آن هدف برسد

## سوال شماره هفتاد

در قرآن بطور مثال وقتی به سوره شوری آیات ۱ و ۲ نگاه می کنید به این موارد بر می خورید!

1- حم

ترجمه ها:

فولادوند: حاء میم!!!

مکارم: حم!!!

خرمشاهی: حم [ح میم!!!]

2- عسق

ترجمه ها:

فولادوند: عین سین قاف!!!

مکارم: عسق!!!

خرمشاهی: عسق [عین سین قاف!!!]

آیا متوجه مشکل این آیات و ترجمه آنها شده اید؟! بله درست حدس زده اید، واژه های در این آیات بی معنی هستند و ترجمه ای برای آنها ابداً وجود ندارد و سه مترجم بالا نیز هیچ ترجمه ای برای این واژه نتوانستند ارائه دهند!!!

حال پرسش این است که این چگونه کتابی است که برای راهنمایی و هدایت بشریت فرستاده شده و در این کتاب تاکید هم شده که آنرا ساده و قابل فهم برای همه فرستاده ایم اما در آن آیاتی همانند آیات فوق آمده که بدون معنی و مفهوم هستند!؟

ای کاش مشکل قرآن فقط همین دو آیه و یا آیاتی نظیر اینها بود!

این کتاب دارای اشکالات و ایرادات بسیار است اعم از ایرادات دستور زبانی، دروغ های تاریخی، ناسخ و منسوخ ها تا تضادگویی های متعدد و اشتباهات و اشکالات علمی که در همین برگه نقد قرآن پیشتر بارها به آنها پرداخته شده است.

براستی که در این کتاب قرآن و تمام کتب ادیان نشانه هایی هست برای آنان که هوشیارند، می فهمند و توان تشخیص دادن شاید بازی های پیامبران ادیان را دارند.

#### پاسخ سوال شماره هفتاد

گفته شده آیات قرآن مطابق با فهم همه هست نگفتند واژه به واژه ضمن گفته شده این حروف هم دارای معنا هستن مثلا این که ع س ق از حروفی هستند که در آن سوره بیشتر استفاده شده

خداوند می خواهد بگوید که قرآن از جنس همین حروف الفبا است که روزمره با آن سر و کار دارید اما از آوردن مثل آن ناتوان هستید و نمی توانید مثل قرآن بیاورید، پس بفهمید که این کلام از ناحیه خداوند است. در بسیاری از سوره ها ،

پس از حروف مقطعه ، آیه بعدی در مورد قرآن و نزول وحی است

معانی آیات قرآن مجید ابعادی دارد که برخی از آنها برای انسانهای دیگر نیز قابل وصول است ولی ابعادی از آن هم جز برای پیامبران و امامان قابل دست یافتن نیست.

برخی از آیات قرآن به خاطر مصالح مهم تری به صورت رمزی معانی را تفهیم کند مانند اینکه مردم به پیامبر و امامان «علیهم السلام» مراجعه کنند و از طریق آنان به فهم بیشتر و آگاهی وسیع تر

درباره قرآن دست یابند و این راهی باشد برای مراجعه بیشتر مردم تا مسئله رهبری هر چه بیشتر و بهتر تحکیم یابد .

### سوال شماره هفتاد و یکم

#### متن شایعه

"بیست خیانت مهم رضا خان مزدور از خدا بی خبر به ایران:

1؟ ساختن دبستان، دبیرستان و اولین دانشگاه ایران

2؟ ابداع دادگستری در ایران

3؟ ساخت راه آهن و بسیاری از کارخانه جات

4؟ مشخص کردن مرزهای کشور و برقرای امنیت

5؟ یک پارچه کردن کشور در حال تجزیه

6؟ ساختن یکی از بهترین پالایشگاه های جهان

7؟ پایه گذاری صنعت بیمه در ایران

8؟ نابود کردن کامل فرقه دزدهای گردنه

9؟ تاسیس شهربانی

؟ تحریم نفتی امریکا

1؟1؟1؟ اخراج نیروهای انگلیس از خلیج فارس

2؟1؟2؟ آزاد کردن جزیره های تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی

3؟1؟3؟ بار جنگ با عراق که بدلیل نیرومندی ارتش ایران ، مردم ایران حتی نمیدانستند دارند با

عراق میجنگند

4؟1؟4؟ بهره برداری از اختلاف امریکا و شوروی به نفع ایران و راه اندازی صنعت در ایران

5؟1؟5؟ جذب سرمایه های اتحادیه های ورشو

6؟1؟6؟ راه اندازی ماشین سازی اراک و تبریز

7؟1؟7؟ اعطای حق رای به زنها

8؟1؟8؟ اعطای شغل های دولتی به زنان مثل مدیر، وزیر و نماینده

9؟1؟9؟ رایگان نمودن آموزش همگانی

0؟2؟0؟ قرار دادن پول ایران در جمع ۱۰ ارز جهانی"

پاسخ سوال شماره هفتاد و یک

پاسخ شایعه

1. مدارس و مکتب خانه ها در ایران قبل از پهلوی، وجود داشته اند!

رضاخان در این مراکز تغییراتی با نام نظام آموزشی نوین اما در واقع جهت بازسازی ایران طبق

تصویر غرب ایجاد کرد. این تغییرات وسیله وی برای مذهب زدایی یا دنیانگری، برانداختن تعبدگری،

ناسیونالیسم، توسعهی آموزشی و سرمایه داری دولتی بود.



[ایرواند آبراهیان (تاریخ نگار برجسته ایرانی)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند،

حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷].

[جان فورن (نظریه پرداز و جامعه شناس غربی)، مقاومت شکننده، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران،

مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۳۳].

\*تاسیس اولین دانشگاه ایران ادعای غلطی است چرا که سابقه آموزش عالی در ایران به دانشگاه

جندی شاپور و پس از آن به دارالفنون و دانشسرای عالی علوم سیاسی و ... باز میگردد.

<http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4268>

2. دادگستری در دوره پهلوی ابداع نشد. وزارت عدلیه در زمان ناصرالدین شاه تاسیس شد.

<http://www.dadfars.ir/Default.aspx?tabid=2511>

3. راه آهن در ایران به نام مردم و به کام روسیه و انگلستان و جهت نقل و انتقال سلاح و

تجهیزات برای قشون آن دووکشور دشمن و متجاوز به ایران و خارج کردن نفت کشور ساخته شد.

\*منطقی ترین مسیر برای راه آهن در ایران، میبایست از تهران شروع شده، از مرکز کشور

استان های اصفهان و فارس \_ عبور می کرد و به خلیج فارس ختم می شد اما فارس که از بزرگترین

استانها و مرکز جنوب ایران بود تا چند سال پیش هنوز راه آهن نداشت!

پس این طرح برای خدمت به کشور و مردم نبود.

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4096#41537>

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/173543>

4. برخلاف نظر نویسنده، رضا خان نه تنها قادر به حفظ تمامیت ارضی ایران نبود، بلکه در قرارداد

سعدآباد، بخش هایی از اراضی ایران را در قبال جلب نظر انگلیس به کشور های همسایه واگذار کرد!

برای نمونه می توان واگذاری کل اروند به عراق، منطقه چکاب به افغانستان و مناطق شمال باختری کشور به ترکیه را ذکر کرد.

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/288566>

5. در تاریخ، اقدامات تجزیه طلبانه ای در دوران رضا شاه، ثبت نشده است. بلکه رضا شاه گاهی به بهانه جلوگیری از تجزیه ایران، بعضی از مخالفان حکومت را با اتهام تجزیه طلبی حذف کرده است.

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930314000218>

6. در هیچ منبعی به ساخت پالایشگاه، در دوره سلطنت رضاخان اشاره نشده و صرفا ادعای نویسنده می باشد.

7. اولین بیمه در ایران با انگیزه و پیگیری دکتر آقایان (یکی از اعضای اولین هیئت مدیره بیمه ایران و در حقیقت یکی از بنیان تأسیس آن) و آقای داور وزیر مالیه آن زمان ایجاد گردید و ارتباطی با رضاخان نداشت!

رضاخان فاقد قدرت برنامه ریزی کشور و تدابیری این چنین بود.

<http://iraninsurance.ir/services/BI/4521>

8. بزرگترین ملاک و سرمایه دار ایران در زمان رضا شاه خود او بود! سرمایه ای که با زور و تهدید از چنگ مردم خارج کرده بود.

کسی که پول تماشای یک نمایش را نداشته چگونه تبدیل به بزرگترین ملاک کشور شد؟!

\*مقابله با راهزنی از اقدامات اولیه هر حکومتی برای استقرار و حفظ حاکمیت خود است . البته این امر به دلیل راههای مواصلاتی و نیروهای مسلحی که رضاخان برای تثبیت حکومت و بستن دهان مخالفان ایجاد کرد ، در دوره او نمود بیشتری یافت.

<http://www.yjc.ir/fa/news/4328677>

9. شهربانی برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه و به تقلید از سازمان های اروپایی تاسیس شد

نه در زمان رضاشاه پهلوی.

## سوال شماره هفتاد و دو

منابع آیات #قرآن

#قسمت\_سوم

و در جای دیگر می گوید :

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (وقتی زمین بلرزد لرزیدنی)

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (و زمین ثقلهایش (مرده ها) را بیرون افکند

تقوم الأنام علی رسلها (مردم بر پا می ایستند)

لیوم الحساب تری حالها (برای روز حساب که حالش را می بینی)

عبارات این شعر عینا در #قرآن آمده است دقت کنید:

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (زلزال / ۱) وَ أُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزال / ۲)

غیر از عین جملات، مفاهیم اشعار فوق (بجز شعر عاشقانه) نیز در #قرآن آمده است .

زبراء\_کاهنه که یک زن شاعر کاهن جاهلی بود می گوید:

واللیل الغاسق و اللوح الخالق و الصباح الشارق و النجم الطارق و المزن الوادق، ان شجر الوادی لیأدو

ختلا، و يحرق انيابا عصلا و ان صخر الطود لينذر ثكلا، لاتجدون عنه معلا...

ترجمه: سوگند به شب تاریک و سوگند به لوح خالق و سوگند به ستاره ی کوبنده و سوگند به ابر

باران ریز، درخت وادی فریبنده می آید...

مشاهده می کنید شبیه #قرآن و به زیبایی تمام به جلوه های طبیعت قسم خورده و در آخر شروع به بیان مطلبش می کند.

این اشعار نشان می دهد که #محمد این سبک بیان را از شعراء عرب فرا گرفته است و انرا به نام

#قرآن و یا کلام الهی به مردم زمانش عرضه کرده. بعلاوه کلمات مشابه شعر فوق در قرآن نیز بکار گرفته شده است.

مثل: "وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (الطارق) / ۱"

حاتم\_طائی از شعراء و سخاوتمندان بزرگ عرب جاهلی اشعار بسیار زیبا و پر از مفاهیم انسانی و

اخلاقی دارد.

همچنین #عنتره از شعرای دیگر جاهلی نیز دارای اشعار لطیف با مفاهیم اخلاقی است. در مجموع

مشاهده کردید که مفاهیم اصلی #قرآن در ادبیات جاهلی وجود دارد و سبک شعر گونه سوره های مکی

#قرآن نیز در اشعار جاهلی وجود داشته است و در مواردی حتی عین جملات و کلمات شعراء جاهلی

در قرآن آمده است. که وسعت تأثیر محیط را در گفته های #محمد نشان می دهد و این همان چیزی

است که از هر انسان عادی دیگری انتظار می رود.

محمد همین مطالب کپی برداری شده را به نام خدای موهوم به خورد مردم داده و با داستانسرایی،

این کلمات را وحی شده توسط یک فرشته میدانسته.

بدترین قسمت داستان این است که اسلامگرایان نوین با هر ترفند و تردستی بدنبال خارج کردن

علم روز و کشفیات دانشمند از میان این اشعار کپی شده هستند.

پاسخ:

آن زمانی که قرآن تحدی میکرد این اشعار هم بود و کسی پاسخ تحدی رانداد و نگفت فلان شعر

مثلا عین قرآن هست

کفار و مشرکین آن زمان از شما به وجود این اشعار و توانایی ادبایشان بیشتر واقف بودند

آنان چیزی را میدانستند که شما نمیدانید و آن اینکه هر کلمه ای از کلمات عربی دارای نقش بلاغی

و بیان و بدیع هست و چون اون اشعار را فاقد چنین خصوصیتی به نسبت به آیات قرآن دیدند چیزی

نگفتن

فهم فصاحت و بلاغت قرآن مستلزم آموزش علمی به نام علم بلاغت هست تا اعجاز قرآن را بفهمیم

بعد از تحدی هم افرادی مانند مسیلمه ی کذاب خ استند مانند قرآن بیاورند که به سه دلیل رسوای

تاریخ شدند

الف: مهمل گویی

ب: فقدان فصاحت و بلاغت

ج: ملاک را خود قرآن قرار دادند نه کلامی برتر از قرآن یعنی تمام تلاششان این بود که عین قرآن

بیاورند نه کلامی غیر آن که برتر از قرآن باشد و این حقیقتیست که کمتر به آن توجه شده هست

لذا با گفتن الفیل مالفیل وله الخرطوم الطویل بانگ رسوایشان را تا ابدیت تاریخ به صدا درآوردند.

★ برتری ذاتی مردان و حقارت ذاتی زنان در قرآن

— سوره بقره ۲۲۸  
و مردان را بر زنان برتری است و خدا عزیز و حکیم است

— سوره نساء ۳۴  
مردان به شدت (قوامون مبالغه است) بر زنان غلبه دارند (مسلط هستند) بدلیل اینکه خداوند بعضی از انسانها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است، و نیز از آن روی که مردان از اموال خویش (برای زنان) خرج می‌کنند

— سوره النجم ۲۱ و ۲۲  
آیا شما پسر دارید و خدا دختر دارد (۱۲) در این صورت این تقسیم نادرستی است (که برترها را شما برداشته اید و حقیرها را به خدا داده اید (۲۲)

پاسخ سوال شماره ی هفتاد و سه

درسوره ی بقره آیه ی مورد استناد وسوره ی نساءدر مقام بیان برتری شأنی نیست لذا در سوره ی

نساء لفظ قوامون رو آورده که دلالت بر برتری فیزیکی دارد واین عین طبیعت هست ودرحقیقت این

برتری نیز درخدمت زن درآمد لذا فرمود از آن روی که اموال خود رابه زنان میدهند بنابراین آیات در

مقام تحقیر شأن زن نیست بلکه شاید بتوان گفت درمقام بیان این است که اگر به مرد توانایی بیشتر از

زن دادیم این توانایی هم در خدمت زن هست چون وظیفه ی حراست وتامین زن با مرد هست که این

حراست وتامین منوط به داشتن توانایی بیشتراست

و زن در جایگاه محترم و به عنوان مظهر جمال خداوند قرار دارد و مرد مظهر جلال خداست پس آیه

ی (ان اکرمکم عندالله اتقاکم) حاکم بر همه ی آیات است و تنها ملاک برتری تقواست چه زن و چه مرد

اما آیات سوره ی نجم در مقام بیان انحراف اصل موضوع است نه تقسیم یعنی نفس انتساب دختر

به خدا و فرزند دار بودن خدا اشتباه و خطاست و این خطا در تقسیم هم سرایت میکند چون اصلا خدا

فرزندی ندارد تا از انتساب دختر به خود ناراحت شود و نکوهش کند لم یلد ولم یولد.

سوال هفتاد و چهار

سلام علیکم

سوالی داشتم اگر انسان مومن باشد ، نماز بخواند و مطابق دستور های اسلام پیش رود ولی به خاطر

مشکلات سخت زندگی اقدام به خود کشی کند سرانجامش، جهنم و عذاب است؟

اگر اینطور باشد پس، آن همه اعمال خوبش، چه میشود ؟ !

مگر خدا رحمان نیست

جواب:

علیکم السلام

1[?] ما جای خدانیستیم تا در بخشش و عدم بخشش تصمیم بگیریم چون رحمت خداوند آنقدر وسعت

دارد که برای ما تعریف حدش ممکن نیست[?]

2[?] اما میتوانیم طبق قواعد پاسخ بدهیم

وقاعده این است:

انا لله وانا اليه راجعون

لام در لله لام ملکیت است یعنی ما متعلق به خداهستیم مایملک او هستیم بنابراین آیا اگر کسی

به ملک شما تجاوز کند و تصرف مالکانه انجام دهد ساکت مینشینید؟

ولله ملک السموات والارض آسمان وزمین ملک خداست

ولله مافی السموات ومافی الارض هرچه در زمین وآسمان است متعلق به خداست وانسان هم جزء

مافی الارض هست پس مال خداست ومال به صاحبش برمیگردد ورغبت داره لذا میفرماد والیه راجعون

پس خودکشی نوعی تصرف در مال غیر است که مجازات دارد

اما آیا سایر اعمالش هم باطل میشود؟

خیر ماتنها راجع به ارتداد داریم که حبطت اعمالهم ودر صورتی که شخص خودکشی کند اما سایر

اعمال نیک داشته باشد قطعا آن اعمال نیک سبب تخفیف عذاب خواهد شد

کل نفس بما کسبت رهینه همه ی انسانها در گروی اعمال نیک وبد خود هستن وطبق عملشون

محاكمه میشن.

سوال شماره هفتاد و پنج

فرق درود با سلام چیه و برای چی بهتره که سلام رو به کار ببریم. پس تمامی کسانی که معنی

قرآن رو میخوانند فقط ابراز محبت میکنند

مثلا موقعی که کسی صلوات میفرسته یا سخنرانی میکنند و میگویند درود و ستایش خدا و

پیامبرش ابراز محبت میکنند خوب چه فرقی داره با سلام کردن



جواب:

الفاظ در دعاها وقرآن موضوعیت داره وبار شرعی داره مثل الفاظی که بار حقوقی داره

لذا وقتی میگیم سلام علیکم ماهمون لفظی رو بکاربردیم که خدای متعال ثواب رو برطبق ادای این

لفظ بار کرده ووضع کرده

لذا میفرمان حتی نگاه کردن به قرآن ثواب داره عربی خواندنش به نسبت به فارسیش ثواب

بیشتری داره لذا فرمود تعلمواالعربیة لانه لسان القرآن

لذا در نماز هم عربی خواندن شرطه چرا

چون قرآن عربی همانیست که خداوند نازل کرده اما فارسی تنها ترجمه هست وترجمه همیشه

گویای اصل نیست چه بسا حتی معادل هم نداشته باشه

نکته ی دیگه اینکه اینطور نیست مصالح احکام فقط آن چیزی باسه که ماحدس میزنیم مثلا بگیم

سلام ودرود هر دو صرف ابراز محبت هست پس چه دلیلی دارد لزما عربی بگیم

جواب میدیم فقط ابراز محبت نیست این چیزی هست که ما برداشت میکنیم ممکنه مصلحت دیگه

درورای سلام به عربی باشه از جمله مثلا تقدسش از این جهت که همون ادبیات معصوم علیه السلام هست

خوب همین ادبیات معصوم بودن موضوعیت داره لذا فرمودن دعاهاى مأثوره رو بخونید یعنی دعاهایی

که از معصوم رسیده چرا چون اون دعا ها چون به ادبیات معصوم هست مهمه موضوعیت داره ثواب

بیشتری داره ومقرب تر هست

## سوال شماره هفتاد و شش

شش زنگ که جهان را تکان داد:

اولین زنگ را " کوپرنیک " در ۱۵۵۰ میلادی نواخت . او ثابت کرد که زمین مرکز کائنات نیست بلکه سیاره ای کوچک است که گرد خورشید می گردد.

دومین زنگ را نیوتن در ۱۷۰۰ میلادی نواخت. او نشان داد که هیچ نیروی غیبی و هوشمندانه ای موجب سقوط اجسام و حرکت سیارات و شهاب سنگها و کهکشانها نمیشود. تنها نیروی جاذبه است که نه هوشمندانه کار میکند و نه برنامه ریزی شده.

سومین زنگ را داروین در ۱۸۵۰ میلادی نواخت . او به انسان که "اشرف مخلوقات" نامیده میشد ، نشان داد که چندان اختلافی با سایر جانداران ندارد و در اثر تغییر و تکامل موجودات دیگر به وجود آمده است.

چهارمین زنگ را نیچه در ۱۹۰۰ میلادی نواخت. او گفت که هیچ نجات دهنده ای غیبی وجود ندارد. تنها انسان است که می تواند نجات دهنده خود باشد. او گفت: "ایمان مذهبی یعنی اینکه نمیخواهم بپذیرم حقیقت چیست؟ انسانها نمیخواهند عقایدشان را تغییر دهند چونکه نمیخواهند توهماتشان تخریب شوند".

پنجمین زنگ را " فروید در ۱۹۰۰ میلادی زد . او اثبات کرد که عقل پادشاه انسان نیست , رفتار و گفتار بشر سرچشمه مهم تری دارد و آن افکار ناخودآگاه است.

ششمین زنگ را راسل در ۱۹۵۰ میلادی نواخت. او به ما آموخت: "از اینکه عقیده ای متفاوت با اکثریت داشته باشید نترسید. بسیاری از عقاید که امروز مورد قبول اکثریتند زمانی مورد مخالفت اکثریت بوده اند.

اگر پنجاه میلیون نفر هم عقیده احمقانه ای داشته باشند، باز هم آن عقیده احمقانه است." آزادی نه

دادنی است نه گرفتنی. بلکه آموختنی است برای همین است که خیلی ها از آن گریزانند. چون یاد

گرفتن برایشان مشکل است. با دوپینگ و یک شبه نمیشود جهان اولی شد.

راه آزادی و پیشرفت نه از خیابانها و با مشت‌های گره کرده بلکه از آرامش کتابخانه ها می گذرد.

برای همین است که در جهان سوم که نا امنی فراوان است، امن ترین مکانها برای عنکبوتها، کتابخانه ها

هستند

زنگها را کوپرنیک و داروین و... سالهاست که نواخته اند، اما بسیاری در برابر بیدار شدن از خود

مقاومت نشان میدهند و به این کار خود افتخار هم می کنند.

### جواب سوال شماره هفتاد و شش

فیلسوفان بدکردار نویسنده (گان) نایجل راجرز، مل تامپسونز بانفار سیمو موضوع (ها) فلسفه

صفحه‌ها ۳۳۶ شابک ۰۷۲۰۶۱۲۱۹۵

فیلسوفان بدکردار کتابی است که در سال ۲۰۰۴ به وسیله نایجل راجرز و مل تامپسون و توسط

انتشارات پیتر اوون در انگلستان منتشر شد. [۱][۲][۳][۴] در سال ۱۳۹۳ ترجمه فارسی این کتاب به

وسیله انتشارات امیر کبیر و با ترجمه احسان شاه قاسمی در ایران منتشر شد. [۵] هشت فیلسوف غربی

یعنی ژان ژاک روسو، آرتور شوپنهاور، فردریش نیچه، برتراند راسل، لودویگ ویتگنشتاین، مارتین

هایدگر، ژان پل سارتر و میشل فوکو در این کتاب هشت فصل را به خود اختصاص داده‌اند. نویسندگان

با آوردن شواهدی از زندگی شخصی این افراد، تلاش کرده‌اند نشان دهند که فلسفه آنها واکنشی به

مسائل و مشکلات در زندگی شخصی آنها بوده است. [۶][۷][۸] از آنجا که این کتاب تناقض‌های بزرگی

در رفتار و گفتار بزرگ‌ترین فیلسوفان را برجسته می‌کند، مخالفت‌ها و موافقت‌های زیادی را در فضای

آکادمیک جهانی برانگیخته است. [۹][۱۰] این کتاب گرچه در ایران منتشر شده، اما در افغانستان هم

مخاطبانی یافته است. [۱۱]

## ژان ژاک روسو

در مورد زندگی پرتلاطم روسو در این کتاب توضیحات زیادی داده شده است. سرقت، دروغ، بچه های نامشروع و سپردن آنها به پرورشگاه، رابطه با زنان شوهردار، بداخلاقی و بدخلقی و ... تنها برخی صفات ناپسندی است که برای روسو برشمرده شده است.

## آرتور شوپن هاور

آرتور شوپنهاور که دوست داشت مثل بودا، کانت یا اسپینوزا شناخته شود هرگز ازدواج نکرد و در جوانی روابط غیرمشروعی داشت. او که دچار همه دشمن پنداری شده بود در سال های آخر عمرش هیچ کس را به حضور نمی پذیرفت و از ترس دیگران سکه هایش را در شیشه دوات قایم می کرد.

## فریدریش نیچه

نیچه که دائما بیمار بود را نمی توان دارای روابط بی اخلاقی جنسی دانست. مهم ترین مورد در زندگی او عشق به لو سالومه بود که از یک بوسه فراتر نرفت. اگر نیچه بر اثر سفلیسنمی مرد، می شد گفت که او در هنگام مرگ پسر بود. البته او یک بار به کازیمیا واگنر نوشته بود که او را دوست دارد. کازیمیا که همسر دوست او واگنر بود این یادداشت را بی پاسخ گذاشته بود.

## برتراند راسل

زندگی های ویران و روابط نامناسب، چهار زن و بیست و یک معشوقه، و تفکرات خاص و ضد سنتی، چیزهایی بود که راسل در پایان عمر ۹۸ ساله اش از خود باقی گذاشت. راسل بر زنان تسلط عجیبی داشت و حتی با عروسش هم ارتباط داشت که این مسئله باعث جنون فرزندش جان شد. وقتی از راسل پرسیدند چرا بعد از مبانی ریاضیات و مبادی ریاضیات دیگر کتاب مهمی در مورد فلسفه ننوشته، پاسخ داد چون زمین زدن دخترها از فلسفه خوشتر است.

## لودویگ ویتگنشتاین

لودویگ ویتگنشتاین که همیشه از همجنس گرایی خود شرمنده بود تلاش می کرد با خشم و ریاضت کشی از شر این حس در خود رهایی یابد. خود بزرگ بینی هم مشکل مهم دیگر ویتگنشتاین بود و او هیچ نقدی را تحمل نمی کرد. او یک بار با میله آتشدان نزدیک بود که بهپوپر حمله کند و بر همین اساس کتابی نوشته شده است.

## مارتین هایدگر

مارتین هایدگر گرچه به دلیل کتاب هایی مثل هستی و زمان به وسیله بسیاری از پیروان یهودی تحسین می شد، اما در سال ۱۹۳۳ به ناگهان به سمت حزب نازی گشت و نقش مهمی در سرکوب یهودیان ایفا کرد. او در عین حال کمک کرد که معشوقه های یهودی او مثل هانا آرتنتوانند از آلمان نازی بگریزند. او هرگز به صورت صریح هولوکاست را محکوم نکرد.

## ژان پل سارتر

سارتر که دارای مشکلات جسمی و شخصیتی خاصی بود، این مسائل را در زندگی شخصی خود به خوبی نشان داد. او و دوبوار با دختران نوجوان زندگی های سه نفری تشکیل می دادند و این روابط گاهی چند ماه طول می کشید. از آنجا که آلبر کامو از سارتر خوشتیپ تر و در جلب زنان موفق تر بود، سارتر یک دهه تمام کارهای ادبی کامو را نقد و به شخصیت او حمله می کرد. در جریان این روابط دخترانی مثل بیانکا لمبلین و ناتالی سوروکین دچار مشکلات روحی شدیدی شدند. همچنین، سارتر در اوج فجایع اردوگاه های کار اجباری در شوروی، اعلام کرد که در شوروی آزادی کامل وجود دارد و همه می توانند به راحتی از استالین انتقاد کنند.

## میشل فوکو

میشل فوکو که همجنس گرا بود با دوست پسرهایش روابط سادومازوخیستی برقرار می کرد و همین رفتارها باعث رنجش و فرار آنها می شد. دانیل دفر که بیش از دیگر پسرها با او ماند بر او تاثیر زیادی گذاشت. فوکو در حمام خانه های سانفرانسیسکو از سکس همزمان با چند مرد لذت می برد و بعد از مرگش گروه های همجنس گرا او را متهم کردند که به رغم اطلاعش از داشتن بیماری ایدز، ده ها نفر را به این بیماری مبتلا کرده است.

### سوال شماره ی هفتاد و هفت

سلام. میخواستم شهادت رو برام توضیح بدید... از نظر لغوی

و اینکه چرا شهیدان مدافع ما در کشور دیگه ای دارن شهید میشن به صورت غریبانه.خیلیاشون

جاوید الاثر میشن.خیلیا این کارشون رو بی ارزش و بی معنی تلقی میکنن.میخوام کسی رو قانع

کنم.ممنون میشم کمک کنید

### جواب:

به نظر میرسد بهترین پاسخ را مقام معظم رهبری امام خامنه ای دادند

مجله مهر: نشریه خط حزب الله روایتی منتشر نشده از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با

خانواده های شهدای مدافع حرم را منتشر کرده است.

رهبر انقلاب درباره مدافعان حرم فرمودند: «حقیقتاً هم شهدای شما، هم خانواده ها، پدران،

مادران و فرزندان آنان، حق بزرگی بر گردن همه ی ملت ایران دارند. این شهدا امتیازاتی

دارند:

یکی این است که اینها از حریم اهل بیت در عراق و سوریه دفاع کردند و در این راه به

شهادت رسیدند.

امتیاز دوم این شهدای شما این است که اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند این دشمن می آمد داخل کشور... اگر جلوی گرفته نمی شد ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم و جلوی اینها را می گرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی فدا کردند.

امتیاز سوم هم این است که اینها در غربت به شهادت رسیدند. این هم یک امتیاز بزرگی است. این هم پیش خدای متعال فراموش نمی شود.»

### سوال شماره ی هفتاد و هشت

چه کسی جبرئیل را تأیید کرد؟

تاریخ طبری

پس از آنکه محمد سراسیمه از غار حراء به پائی آمد و به نزد خدیجه وارد شد.

داستان را برای خدیجه تعریف کرد.

خدیجه گفت اینکه تومیگوئی باید همان ملکه جبرئیل باشد. پس بگذار او را امتحان کنیم. مسئله

اینجا بود که جبرئیل را فقط محمد میدید.

بنا بر این خدیجه به محمد گفت آیا اکنون این ملائکه که تو میگوئی اینجاست؟

گفت آری.

خدیجه نیمه عریان شد و به روی زانوی محمد نشست و گفت هنوز هم اینجاست, محمد گفت نه,

رفت. خدیجه لباسش را پوشید و به محمد گفت این همان جبرئیل است.

بدین صورت جبرئیل تأیید شد و محمد قبول کرد که جبرئیل به نزد او میآید و به او آیه میدهد و او

اکنون پیامبر است .

این داستان بصورت مفصل تر در تاریخ طبری نوشته شده است.

اما برای من این سوال مطرح است که چگونه بود که محمد که حتی جبرئیل را میدید, او را شناخت

اما خدیجه که او را نمیدید سریع شناخت.

جواب:

اولا داستان مذکور در تاریخ طبری از جعلیاتی هست شبیه جعلیات کورت فریشلر در عایشه پس از

محمد و اساسا تاریخ طبری پراست از دروغها و اخبار ناصحیح و استناد شیعه به تاریخ طبری تنها از باب

احتجاج بر مقابل هست نه استناد به معنای مسلم گرفتن آن

ثانیا آنچه مطابق قواعد و نیز اخبار موثق هست جبرئیل نه تنها خودش را معرفی کرد بلکه اگر

معرفی هم نمیکرد قرائن حالیه دلالت میکرد بر اینکه او همان فرشته ی وحی است

داستانهایی از این شکل که همسر پیغمبر را وزندگی شخصی رسول خدا را شبیه افسانه ها و رمانهای

عاشقانه نقل میکنند از امثال طبری و بخاری صادر میشود که مستندشان امثال کعب الاحبار یهودی

و ابوهریره هست که نسبتهای توهین آمیز مشابهی مانند گوش دادن غنای محرم و نگاه کردن به رقاصه

ها و عریان شدن حضرت موسی(داستان ثوبی حجر) در این منابع به وفور یافت میشود



ج ٢٤ باب جوامع تأويل ما نزل فيهم ﷺ -٣٩٣-

صلوات الله عليهم ما فينا فيه ظاهراً ما رواه علي بن إبراهيم عن أبيه عن النضر بن سويد عن القاسم بن سليمان عن المعلى بن خنيس عن أبي عبدالله عليه السلام أن هذا المثل ضربه الله لأمر المؤمنين عليه السلام ، قال بعوضة أمير المؤمنين ، و ما فوقها رسول الله ﷺ والدليل على ذلك قوله : « فأمّا الذين آمنوا فبعلون أنه الحق من ربهم » يعني أمير المؤمنين كما أخذ رسول الله ﷺ الميثاق عليهم له « و أمّا الذين كفروا فيقولون ما ذا أراد الله بهم ذاملاً يضل به كثير أو يهدي به كثير » فرد الله عليهم فقال : « وما يضل به إلا العاسقين » الذين يتقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما أمر الله به أن يوصل ، يعني من صلة أمير المؤمنين والأئمة صلوات الله عليهم « و يفسدون في الأرض أولئك هم الخاسرون » انتهى (١) .

سوال: در حدیث بالا گفته امیرالمومنین پشه است؟؟؟

جواب سوال هفتاد و نه

له كتاب [ست] «مح» .  
معلي بن اسامة الأزدي الكوفي [ق]  
«مح» .

معلي بن خنيس المدني مولى ابي عبد الله  
عليه السلام [ق] ومن قبله كان مولى بني اسد  
كوفي [صه • جش] بزاز ضعيف جدا [جش] عنه  
[صه] لا يعول عليه [جش] له كتاب عنه المعلي  
بو عثمان [ست • جش] وقال ابن الغضائري انه  
كان اول امره مغير ياتم عاد (دعاخ) الى محمد  
بن عبد الله المعروف بالنفس الزكية وفي هذه  
الظنة اخذه داود بن علي فقتله والغلاة يضيفون  
ليه كثيرا قال ولا اري الأعماد علي شي من  
حديثه وروى فيه احاديث تقتضي الذم واخرة  
فتتضي المدح و قال الشيخ ابو جعفر الطوس  
الله تعالى في كتاب الغيبة بغير اسناد

جواب: در سلسله ی رواه معلی بن خنیس المدنی وجود دارد که نجاشی میگوید ضعیف جدا لایعول

علیه. (جامع الرواه ج ۲ ص ۲۴۷ باب المیم بعده العین)

جواب سوال ۷۹

# جامع السؤالات

وازاحة الاشتباهات عن الطرق والاسناد

المجلد الثاني

تصنيف

محمد بن علي الاردبيلي الفروي الحائري

من منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي

قم - ايران - 3010

## سوال\_ شماره\_ هشتاد

شبهه

★ مخالفت روحانیون قم با خداوند :

روحانیون قم معتقد هستند که پیامبران و اولیای الهی پس از وفات صدای انسانها را می شنوند به همین دلیل توسل به آنها را جایز می دانند.

اما خداوند در قرآن چند حادثه مهم را بیان فرمود که نشان می دهد پیامبران و اولیای خداوند پس از وفات صدای انسانها را نمی شنوند، به دو مورد اشاره خواهم کرد:

1) پیامبران صدای انسانها را نمی شنوند: در قرآن سوره بقره آیه ۲۵۹ خداوند حکایت پیامبری را

بیان می فرماید که از روستای و قبرستان مخروبه ایی در حال عبور بود آنجا گفت : خدایا تو چگونه اینها را زنده می کنی، سپس همانجا مرگ به سراغش آمد و به مدت ۱۰۰ سال از دنیا رفت و پس از گذشت ۱۰۰ سال خداوند او را زنده کرد و از او پرسید : چقدر اینجا ماندی؟ پیامبر گفت: یک روز یا بخشی از روز.

خداوند فرمود: تو ۱۰۰ سال اینجا بودی.

در این آیه ملاحظه کنید که این پیامبر چشم پوشی از اینکه صدای هیچ احدی در این صد سال نشنید که حتی نمی دانست چه مدت در این مکان مانده است.

2) اولیای خداوند نیز صدای انسانها را نمی شنوند:

خداوند اصحاب کهف را به عنوان نمونه اولیای خود در قرآن بیان می کند که این جوانان برای اینکه فقط الله را پرستش کنند به غار پناه بردند و در آنجا به مدت ۳۰۹ سال خوابیدند پس از اینکه بیدار شدند گفتند: یک روز یا بخشی از روز خوابیده ایم.

دقت بفرمایید: چشم پوشی از اینکه صدای هیچ انسانی را نشنیدند که حتی نمی دانستند چند سال

خوابیده اند.

توجه مهم: خداوند در آیات متعددی از قرآن می فرماید: کسانی که شما به آنها متوسل می شوید

روز قیامت که بر انگیزته می شوند اصلا منکر توسل شما انسانها می شوند و اصلا احساس توسل کسی را

ندارند.

خداوند این تعبیر در جاهای متعدد قرآن در مورد توسل به اولیا و دعای غیر الله باینصورت بکار

می برد:

وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ.

و زمانیکه برانگیزته می شوند احساس (عا و توسل به خود را) نمی کنند.

این مطلب را به دوستان ارسال کنید چه بسا سبب نجات یک انسان از پرتگاه شوید.

پاسخ سوال شماره هشتاد

قسمت اول، بحث توسل

توسل چیست؟

ایا آیات و روایات به توسل اشاره ای کرده اند؟

\*معنی لغوی

توسل از نظر لغت عبارت است از هر چیزی که انسان برای دست یابی به هدف خویش، با میل و

رغبت به آن متوسل شود،

تدبیر نظام عالم، صرفاً در دست خداوند است، و مسایلی از قبیل: آفریدن، روزی دادن، زنده کردن، میراندن، قرار دادن شب و روز، تاریکی و نور، نازل کردن باران و ... صرفاً توسط خداوند انجام می شود و قرآن کریم در آیات متعددی بر این معنا تأکید ورزیده است.

اما باید توجه داشت که توسل جستن به غیر خدای سبحان، و یاری خواستن به معنای شریک قرار دادن آنان در افعال خداوند نیست.. چراکه این اسباب در طول اراده خداوند نیستند بلکه در عرض و به خواست خداوند هستند،

\*توسل امری بدیهی و عقلی

طبق تعریف لغوی، انسان در طول زندگی بارها متوسل به اشیا و اشخاص مختلف میشود، یک کارمند اداره، برای رسیدن به مقصد متوسل به اتوبوس و راننده آن میشود، یک فرد بیمار برای درمان متوسل به پزشک میگردد، یک شهروند برای خرید نان متوسل به نانوا میشود، و یک فردیکه در حال غرق شدن است اطراف دریا شخصی را مبیند و او را صدا میزند کمک کمک!! و متوسل به وی میگردد و کلی مثال دیگر،

این مختص انسان های عادی نیست حتی پیامبران نیز متوسل به اشیا و اشخاص میشده اند، مثلاً در سوره ی مبارکه نمل آیات ۳۸-۳۹-۴۰ آمده است، که حضرت سلیمان نبی، ع ، برای آوردن تخت بلقیس، متوسل به یکی از اجنه میشود تا بواسطه ی وی، تخت را بیاورد،

براستی مگر آوردن این تخت در کمتر از یک پلک زدن کار هر انسان عادی است؟! این کار خارق العاده ای مگر نبود؟ سلیمان بدون درخواست از خداوند متعال، متوسل به جنی میشود تا تخت را برای وی حاضر کند،

اگر طبق عقیده ی وهابیت توسل به غیر نوعی شرک است پس سلیمان نبی - نعوذبالله - مشرک

است؟

و یا طبق مثالهای فوق که زدیم تمام مردم به نوعی مشرک اند چرا که متوسل به من دون الله شده

اند!!!

\* نکته ی مهم

اما باید دانست خداوند متعال خود این اسباب را وسیله ای برای رفع حاجت ما قرار داده است و ما

برای رفع حاجات باید به این اسباب متوسل بشویم و این همه اش بر خواست خداست، اگر خدا نخواهد

یک پزشک نمیتواند بیمار را درمان کند اما وظیفه بیمار این است که به مطب برود و از این اسباب برای

شفای خود بهره مند گردد،

توسل به اهل بیت هم به علت اینکه، در پیشگاه خداوند دارای موقعیت و احترام ویژه ای هستند،

سبب و وسیله جریان فیض خداوند می باشند،

\*توسل در آیات قرآن

از واضح ترین آیات بر توسل کردن در سوره مائده، آیه ۳۵ به آن اشاره شده است،

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او

بجوئید.

\* بررسی لغوی اصطلاحی اصولی تفسیری وسیله

\* وسیله در لغت

به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود، می

باشد.



«\*وسیله» عموم دارد در آیه فوق، معنی بسیار وسیعی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می شود، شامل می گردد که مهم ترین آنها، ایمان به خدا و پیامبر اکرم ص و جهاد و عبادات همچون نماز و زکات و روزه و همچنین هر کار نیک و خیر می باشد. آیه فوق عموم دارد و در ادامه نیز حکم عام تخصیص نخورده که مشخص کند که وسیله فلان کار است ولی فلان کار نیست،

اگر قرار بر منع بود در خود آیه میامد که مثلاً ابْتَغُوا إِلَيْهِمُ الْوَسِيلَةَ إِلَّا الصَّلَاةَ او رسول الله و...

تخصیصی در کار نیست، و چیزی از عموم آیه خارج نمیشود،

مشخص شد آیه «عموم» دارد و هر چیزی که باعث تقرب شود، میتوانیم متوسل شویم،

از جمله ی اینها ، وسیله قرار دادن مقام انسان صالح در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خداوند به

خاطر او، که طبق عموم آیه، به هیچ وجه ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد،

پاسخ\_شبهه\_قسمت\_اول

نمونه های قرانی توسل به پیامبران

۱- آیه ۶۴ «نساء» «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا

اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا؛

اگر آنها هنگامی که به خویشتن ستم کردند [و مرتکب گناهی شدند] به سراغ تو می آمدند و از

خداوند طلب عفو و بخشش می کردند و تو نیز برای آنها طلب عفو می کردی، خدا را توبه پذیر و رحیم

می یافتند

۲- آیه ۹۷ «یوسف» : برادران یوسف از پدر تقاضا کردند در پیشگاه خداوند برای آنها استغفار کند و

یعقوب(علیه السلام) نیز این تقاضا را پذیرفت.

3- آیه ۱۴ «توبه» موضوع استغفار ابراهیم ع در مورد پدرش آمده که تاثیر دعای پیامبران درباره

دیگران را تایید می کند،

\*سوال

وهابیون، میگویند آیات فوق جواز توسل به شخص، زنده را داده است و نه مرده،

\*جواب

به فرض مرده گرفتن پیامبران که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت و مشخص میکنیم که

زنده اند،

\*\*کجای آیه مردگان را از عموم آیه خارج کرده است؟

«\*وسیله» عموم دارد و شامل هر چیزی که وسیله تقرب است میگردد،

تا اینجا مشخص شد که توسل علاوه ی بر اینکه امری عقلی میباشد امری کاملاً شرعی و توصیه

شده ی خداوند متعال در قرآن کریم است،

و مشخص شد وسیله در آیه هر چیزی، که باعث تقرب به خداوند میشود را شامل میگردد، و

تخصیص نخورده است تفکیکی بین زنده و مرده در آیه دیده نمی شود،

\*وسیله طبق روایات اهل سنت چه کسانی اند؟

از آنجا که طبق قواعد اصولی «عام» آیات توسط روایات قابلیت تخصیص خوردن دارد، چرا که

آیات در صدد بیان کلیات هستند و روایات، جزئیات را به جهت تبیین، تشریح میکنند، مثلاً در قرآن

حکم کلی نماز آمده و در روایت آمده که مثلاً نماز ظهر ۴ رکعت است،

ما به همین جهت در روایات تفحصی کرده و به نکات جالب توجهی، برخوردیم، جالب تر آنجاست

که ما روایات رسیده از علمای اهل سنت را اشاره گذرا میکنیم،

حافظ ابونعیم اصفهانی در نزول القرآن فی علی

حافظ ابوبکر شیرازی در ما نزل من القرآن فی علی

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه و دیگر علمای اهل سنت، در ذیل آیه فوق با استناد به روایاتی، اشاره کرده اند که منظور از وسیله «عترت و اهل بیت» پیامبر ص میباشد،

برای نمونه عین عبارت ابن ابی الحدید را در شرح نهج البلاغه، ص ۷۹ ج ۴، میاوریم، که سخن زهرا اطهر در خطبه فدکیه است،

«والحمد لله الذی لعظمته و نوره یتبغی من فی السماوات و الارض الیه الوسیله و نحن وسیلته فی خلقه»

صراحتاً زهراى اطهر، میگویند منظور از وسیله در آیه ما «اهل بیت» هستیم.

پاسخ\_شبهه\_قسمت\_دوم

\*\*\*نکته نکته نکته\*\*\*

حتی اگر، ما این روایات را نادیده بگیریم در باب وسیله بودن اهل بیت، استناد به «عموم» آیه و عدم تخصیصش، جواز توسل به اهل بیت داده شده است،

\*توسل در روایات

روایات متواتر و صحیح السند فراوانی هست که صراحتاً جواز توسل و تمسک به اهل بیت را داده است، از جمله ی آنان حدیث سفینه و حدیث شریف ثقلین است که در اکثریت قریب به اتفاق منابع اهل سنت و تشیع نقل شده است، و اشاره داشته آنان را واسطه قرار داده و تمسک و توسل بجویند،

حدیث سفینه؛ نقل ابوهریره از رسول الله،

یا آدم هؤلاء صفوتی ... فإذا كان لك الى حاجة فبهؤلاء توسل، فقال النبي: نحن سفينة النجاة من

تعلق بها نجا و من حاد عنها هلك، فمن كان له إلى الله حاجة فليسالنا أهل البيت.

... ای آدم! اینان (اهل بیت (ع)) برگزیدگان من هستند ... هر گاه حاجتی داشتند آنان را واسطه

قرار بده و به آنها متوسل شو. پیامبر (ص) فرمود: ما (اهل بیت) کشتی نجات هستیم، هر کس سوار این

کشتی شود، نجات خواهد یافت و هر کس سرپیچی کند، هلاک خواهد شد، پس هر کس حاجت و

نیازی به خداوند دارد، باید ما اهل بیت را واسطه قرار دهد

\*\*\*ابراهیم بن جوینی، فرائد سمطین، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷، بیروت مؤسسه محمودی چاپ اول،

۱۳۹۸ ه. خوارزمی، مناقب، ص ۳۱۸، ج ۳۲۰ انتشارات اسلامی قم، ۱۴۴۱ ه. \*\*\*....

حدیث ثقلین؛ «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی، لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض

من توسل - تمسک - بهما فقد نجی و من تخلف عنهما فقد هلك، ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا ابدا»، همانا

من در میان شما پس از خود، دو بار سنگین را به امانت می گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت. تا

زمانی که به این دو تمسک بجوید، گمراه نخواهید شد. این دو از هم جدا نمی شوند تا زمانی که در

حوض کوثر بر من وارد شوند

سنن ترمذی، ج ۱۲، ص ۲۵۸ مسند احمد بن حنبل، ج ۴۴، ص ۱۳۴ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۵،

ص ۸۹ المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹ صواعق المحرقة، ابن حجر مکی، ص ۷۵. صحیح

مسلم، ج ۲، ص ۴۴. تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۴۰؛ تفسیر بغوی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ تفسیر رازی، ج ۸، ص ۱۷۳؛

تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۲۲؛ الدر المنثور جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۶۰؛ تفسیر آلوسی، ج ۴، ص ۱۸؛

الکامل ابن عدی، ج ۶، ص ۶۷؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۲۱۶؛ اسد الغابه ابن اثیر، ج ۲،

ص ۱۲؛ سیر اعلام النبلا، ذهبی، ج ۹، ص ۳۶۵؛

#پاسخ\_شبهه\_قسمت\_دوم

#پاسخ\_شبهه\_قسمت\_سوم

در شبهه ای که مطرح شده است، تمام تلاش و سعی خود را کرده اند تا «توسل» که امری پذیرفته

شده ی در بین اهل سنت و تشیع میباشد، را به استناد به آیاتی از قرآن، که اساساً ربطی به موضوع،

مطرحه ندارد، رد کرده و انرا امری غیر شرعی تلقی کنند

ما در ادامه به بررسی تفصیلی، آیات و بحث توسل خواهیم پرداخت تا به وضوح و روشنی مشخص

شود توسل نه تنها غیر شرعی نیست بلکه کاملاً شرعی و عقلانی است و مورد سفارش رسول الله و دیگر

بزرگان اسلام، میباشد.

علاوه ی بر این، مشخص خواهیم کرد که پیامبران و ائمه بعد از مرگ، زنده اند یا خیر و آیا صدای

ما را میشنوند یا خیر، تا پس از آن جهل مطرح کننده ی کم سواد و ظاهراً بدون اطلاع به آیات قرآن

مشخص شود، و عناد وی با قرآن و خداوند اِشکار گردد،

۷ پاسخ به سه قسمت تقسیم میشود

⇐ قسمت اول؛ بحث توسل

⇐ قسمت دوم؛ بحث حیات انبیا و اولیا

⇐ قسمت سوم؛ بررسی مثال های زده شده در متن شبهه

پاسخ\_شبهه\_قسمت\_سوم\_بخش\_اول

قسمت اول، بحث توسل

\*توسل چیست؟

ایا آیات و روایات به توسل اشاره ای کرده اند؟

### \*معنی لغوی

توسل از نظر لغت عبارت است از هر چیزی که انسان برای دست یابی به هدف خویش، با میل و رغبت به آن متوسل شود،

تدبیر نظام عالم، صرفاً در دست خداوند است، و مسایلی از قبیل: آفریدن، روزی دادن، زنده کردن، میراندن، قرار دادن شب و روز، تاریکی و نور، نازل کردن باران و ... صرفاً توسط خداوند انجام می شود و قرآن کریم در آیات متعددی بر این معنا تأکید ورزیده است.

اما باید توجه داشت که توسل جستن به غیر خدای سبحان، و یاری خواستن به معنای شریک قرار دادن آنان در افعال خداوند نیست..چراکه این اسباب در طول اراده خداوند نیستند بلکه در عرض و به خواست خداوند هستند،

### \*توسل امری بدیهی و عقلی

طبق تعریف لغوی، انسان در طول زندگی بارها متوسل به اشیا و اشخاص مختلف میشود، یک کارمند اداره، برای رسیدن به مقصد متوسل به اتوبوس و راننده آن میشود، یک فرد بیمار برای درمان متوسل به پزشک میگردد، یک شهروند برای خرید نان متوسل به نانوا میشود، و یک فردیکه در حال غرق شدن است اطراف دریا شخصی را مبیند و او را صدا میزند کمک کمک!! و متوسل به وی میگردد و کلی مثال دیگر،

این مختص انسان های عادی نیست حتی پیامبران نیز متوسل به اشیا و اشخاص میشده اند، مثلاً در سوره ی مبارکه نمل آیات ۳۸-۳۹-۴۰ آمده است، که حضرت سلیمان نبی، ع ، برای آوردن تخت بلقیس، متوسل به یکی از اجنه میشود تا بواسطه ی وی، تخت را بیاورد،

براستی مگر آوردن این تخت در کمتر از یک پلک زدن کار هر انسان عادی است؟ این کار خارق

العاده ای مگر نبود؟ سلیمان بدون درخواست از خداوند متعال، متوسل به جنی میشود تا تخت را برای وی حاضر کند،

اگر طبق عقیده ی وهابیت توسل به غیر نوعی شرک است پس سلیمان نبی - نعوذ بالله - مشرک

است؟

و یا طبق مثالهای فوق که زدیم تمام مردم به نوعی مشرک اند چرا که متوسل به من دون الله شده

اند!!!

\*نکته ی مهم

اما باید دانست خداوند متعال خود این اسباب را وسیله ای برای رفع حاجت ما قرار داده است و ما

برای رفع حاجات باید به این اسباب متوسل بشویم و این همه اش بر خواست خداست، اگر خدا نخواهد

یک پزشک نمیتواند بیمار را درمان کند اما وظیفه بیمار این است که به مطب برود و از این اسباب برای

شفای خود بهره مند گردد،

توسل به اهل بیت هم به علت اینکه، در پیشگاه خداوند دارای موقعیت و احترام ویژه ای هستند،

سبب و وسیله جریان فیض خداوند می باشند،

\*توسل در آیات قرآن

از واضح ترین آیات بر توسل کردن در سوره مائده، آیه ۳۵ به آن اشاره شده است،

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او

بجوئید.

\*بررسی لغوی اصطلاحی اصولی تفسیری وسیله

\*وسيله در لغت

به معنی تقرّب جستن و یا چیزی که باعث تقرّب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود، می باشد.

«\*وسيله» عموم دارد در آیه فوق، معنی بسیار وسیعی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می شود، شامل می گردد که مهم ترین آنها، ایمان به خدا و پیامبر اکرم ص و جهاد و عبادات همچون نماز و زکات و روزه و همچنین هر کار نیک و خیر می باشد. آیه فوق عموم دارد و در ادامه نیز حکم عام تخصیص نخورده که مشخص کند که وسیله فلان کار است ولی فلان کار نیست،

اگر قرار بر منع بود در خود آیه میامد که مثلا ابتغوا اليهم الوسيله الا الصلوه او رسول الله و...

تخصیصی در کار نیست، و چیزی از عموم آیه خارج نمیشود،

مشخص شد آیه «عموم» دارد و هر چیزی که باعث تقرّب شود، میتوانیم متوسل شویم،

از جمله ی اینها ، وسیله قرار دادن مقام انسان صالح در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خداوند به خاطر او، که طبق عموم آیه، به هیچ وجه ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد،

پاسخ\_شبهه\_قسمت\_سوم\_بخش\_دوم

قسمت دوم، آیا انبیا و اولیا مرده اند؟

\*\*\*حقیقت وجود انسان\*\*\*



حقیقت وجودی انسان چیست؟ مگر انسان از جسم و روح تشکیل نشده است؟

حقیقت وجودی وی مگر روح نیست؟

وقتی انسانی به اصطلاح میمیرد آیا روح او هم مرده است؟ یا فقط، روح از جسم جدا میشود؟

در آیات متعدد قرآن به این سوالات پاسخ داده شده است و اشاره داشته است به بقای روح بعد از مرگ، مثلاً آیه ۳۷ سوره مومنین اشاره داشته است که آیا گمان میکنید، وقتی مردیم دیگر زنده نمیشویم و برانگیخته نمیشویم؟ ما نحن بمبعوثین؟ و اشاره قرآن به اعمال ما تقدم و ما تاخر خود دلیلی دیگر بر زنده بودن روح و باز بودن پرونده ی اعمال وی، و ثبت ثواب و.. برای وی میباشد،

فرا تر از این، مگر خود قرآن تصریح نکرده است که شهدا زنده اند.؟

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون»، آل عمران ۱۶۹ میندازید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

□ اینجا شبهه ایجاد میکنند گفته است زنده اند ولی «نزد» پروردگارشان هستند،

ولی براستی خداوند جا و مکان خاصی دارد؟ اگر بله که، محدود به مکان میشود و صفت خدایی از وی سلب میگردد، خداوند مکان خاصی ندارد

«هو معکم این ما کنتم» او با شماست هر کجا که هستید، سوره حدید آیه ۴

«اینما تولوا فثم وجه الله» هر کجا رو کنید همان جا وجه خداست، سوره بقره، آیه ۱۱۵

پاسخ\_شبهه\_قسمت\_سوم\_بخش\_دوم

قسمت دوم، آیا انبیا و اولیا مرده اند؟

\*\*\*حقیقت وجود انسان\*\*\*

\* حیات انبیا، ذیل آیه «بل احياء» منابع سنی \*

﴿أما حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام الحياة البرزخية التي هي فوق حياة الشهداء الذين قال الله

تعالى فيهم بل أحياء عند ربهم يُرزقون فأمر ثابت بالأحاديث الصحيحة. حیات انبیا علیهم السلام حیات

است برزخی و برتر از حیات شهداست که خداوند متعال در مورد ایشان فرموده است که ایشان زنده اند

نزد پروردگارش روزی داده می شوند . پس این امر مطلبی ثابت شده با روایات صحیح است\*الآیات

البینات فی عدم سماع الأموات ج ۱ / ص ۳۹ للأكوسی النعمان بن محمود\*

ومن ثم قال الإمام السبكي حياة الأنبياء والشهداء كحياتهم في الدنيا امام سبكي گفته است که حیات

انبیا و شهدا مانند زندگیشان در دنیا است.\*السيرة الحلیة ج ۲ / ص ۴۳۲\*

شارح صحیح بخاری؛ أحدها أن الأنبياء أفضل من الشهداء والشهداء أحياء عند ربهم فكذلك

الأنبياء. یکی از مطالبی که در مورد زندگی انبیا بعد از مرگ گفته شده است این است که انبیا برتر از

شهدا هستند و شهدا نزد پروردگارش زنده اند پس انبیا نیز همینطور.\*فتح الباری ج ۶ / ص ۴۸۷\*

منابع فوق در ذیل آیه شریفه اشاره داشتند که، حیات برزخی رسول الله و پیامبران همچون حیات

دنیوی ایشان است،

\*\*\* روایات در باب زنده بودن اموات \*\*\*

انس بن مالک از رسول خدا(ص) نقل می کند که فرمود: انبیاء در قبرهایشان زنده اند و نماز می

گزارند\* فیض القدير، ج ۳، ص ۱۸۴ \*

حَدَّثَنَا هَدَّابُ بْنُ خَالِدٍ وَشَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتِ الْبُنَّانِيِّ وَسَلِيمَانَ التَّمِيمِيِّ

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَتَيْتُ وَفِي رِوَايَةٍ هَدَّابٍ مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى

لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكُتَيْبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ

رسول خدا فرمودند که رفتم یا گذشتم بر موسی در شبی که من را به آسمان بردند - در کنار جایی که خاک سرخ زیادی جمع شده بود- واو ایستاده بود و در قبرش نماز می خواند.

\* صحیح مسلم ج ۴/ص ۱۸۴۵ کتاب الفضائل باب من فضائل موسی علیه السلام،\*

در بدر، پیامبر کشتگان را خطاب قرارداد، «عمر بن الخطاب» اعتراض کرد: یا رسول الله اتنادی قوماً موتی؟ فقال صل الله علیه و آله و سلم: وَمَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ... ای پیغمبر مردگان را که دارای شعور و درک نیستند مورد خطاب قرار می دهی؟! حضرت در جواب می فرماید: که شما شنواتر از این اجسام بی تحرک نیستید آنها می شنوند آنچه را که من می گویم.

\*\*\* صحیح البخاری- کتاب المعازی: ۹۸/۵، صحیح مسلم: ۱۶۳/۸، کتاب الجنة. مسند احمد:

۱۳۱/۲. سنن النسائی، باب ارواح المؤمنین: ۸۹/۴.\*\*\*

از روایات و آیات، فوق چنین بر آمد که

اولا حقیقت وجودی انسان روح است که بعد از مرگ فقط روح از جسم خارج شده و به حیات خود

ادامه میدهد،

ثانیا با توجه به اولاً، پس مردگان بعد از مرگ زنده اند و میشوند و میبینند

ثالثا حیات انبیا و اولیا و ائمه بعد از مرگ چون حیات آنان در دنیا است،

خطبه ۸۷ نهج البلاغه پس از معرفی عترت رسول الله، اشاره می دارد؛

«أَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا عَنْ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ وَ يَبْلَى مَنْ بَلِيَ مِنَّا وَ لَيْسَ

بِبَالٍ...» ای مرد این فرموده رسول الله را بگیرید؛ که فرمودند: از ما هر که بمیرد در حقیقت مرده نیست و  
.....»

\* ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۳۷۳، میثمی، شیخ عبده به این استناد کرده اند

## پاسخ\_شبهه\_قسمت\_سوم\_بخش\_سوم

قسمت سوم؛ بررسی آیات و نمونه های یادشده ی در شبهه،

قبل از ورود به قسمت سوم، باید به این ها متذکر شد آیا شما اصلا این آیات را خوانده اید؟

یا اینکه، خوانده اید ولی سواد خواندن کلمات را هم نداشتید و جملات را به نحوی دیگر بیان کرده اید،

یا واقعا نخوانده اید و یک داستان ساختگی در ذهن خود را به قرآن نسبت داده اید!

در هر دو صورت، شما به قرآن دروغ بسته و آیات را از موضع خود، خارج کرده و تفسیر به رای

کرده و نظر خود را جایگزین نظر خداوند کرده اید!!

ما برای روشن تر شدن بحث عین آیه را خواهیم آورد، تا خود قضاوت کنیم،

\*مورد اول؛ اشاره داشته است به جریان حضرت عزیز ع در آیه ۲۵۹ سوره ی بقره، و اذعان داشته

اند که به استناد این آیه پیامبران نمیشنوند و نمیبینند!!

«أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً

عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَنَظَرُ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ

لَمْ يَتَسَنَّهْ وَنَظَرُ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَنَظَرُ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا

تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

\*\*\*آیه اشاره داشت که برای حضرت عزیز سوال بود که چگونه خداوند مردگان را زنده میکند؟ و

خداوند برای مشخص شدن این امر بر وی، او را به خواب عمیقی مبتلا میکند گویی ۱۰۰ سال مرده

است، تا برای حضرت عزیز مشخص شود که

اولا، امکان زنده شدن مردگان هست،

دوما خداوند توانای بر انجام هر کاری میباشد،

مشخص، شد این نوعی آزمایش بود برای حضرت عزیز، تا به جواب سواش برسد، و اصلا به موضوعی که مورد حمله در شبهه واقع شد، ربطی نداشت، و در قسمت های قبل با استناد به آیات و روایات بحث توسل و حیات انبیا و اولیا را مفصلا تشریح کردیم، و مشخص شد این نمونه آورده شده سالبه به انتفا موضوع می باشد،

\*مورد دوم؛ اصحاب کهف

در آیه ۹ تا ۲۲ سوره مبارکه کهف به این، واقعه اشاره شده است و آنجا مفصل به این واقعه پرداخته شده است، برای اطلاعات بیشتر به این آیات رجوع کنید مابرای وضوح مطلب نکات لازم را متذکر میشویم،

اولا در آیه ۱ ابصرحت آمده است که آنها را به «خواب» عمیق فرو بردیم،

فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

پس سالیانی چند در آن غار، خواب را بر گوش هایشان چیره ساختیم.

پس آنها به «خواست خدا» به خواب رفتند، و نه که مرده باشند،

همچنین در آیه ۱۸ اشاره شده است به اینکه آنان را به خواب فرو بردیم،

دوما، در ادامه اشاره داشته است اینها در شهری بودند که مشرک بودند و نمی توانستند، به عبادت

خداوند پردازند، برای همین به کوه و غار پناه آوردند تا بتوانند، خداوند را براحتی عبادت کنند،

سوما خواسته خودشان از خدا بود که آنها را از شر اهالی شهر مصون بدارد و خداوند نیز آنان را

بخواب فرو برد، «درخواست» آنان از خدا بود و به «خواست» خدا به خواب فرورفتند،

مشخص شد در هیچیک از دو مورد، موضوع مورد حمله در شبهه مطرح نبوده است، و سالبه به

انتفاموضوع است و این نوع القائات دشمنی و عناد آشکار با کلام الله است چرا که منظور قرآن را بطریقی دیگر منتقل کرده اند،

در قسمت های اول و دوم هم مفصل به موضوع مورد حمله پرداختیم،

اولا توسل کاملا عقلی و شرعی و مورد تایید آیات و روایات است،

دوما انبیا و اولیا پس از مرگ زنده اند

سوما دومورد مثال در شبهه هیچ ربطی به حیات پس از مرگ نداشتند،

والسلام علی من اتبع الهدی

\*\*

پایان